

# گامی بزرگ به داده‌های زبانی و فرهنگی ایران معاصر

جمعیت‌شناسی یکی از شعب علوم اجتماعی است که در سده اخیر جایگاه مهمی را در این زمینه به خود اختصاص داده است. سر برآوردن این علم تا حدود زیادی به دنبال نگرانی‌هایی حاصل شد که رشد سریع جمعیت در اروپا به وجود آورد. چرا که بر اثر توسعه بهداشت بسیاری از بیماری‌ها کنترل شد و در نتیجه از سویی زاد و ولد کودکان سالم فزونی یافته و از دیگر سو امید به زندگی رو به گسترش بود. مالتوس، دانشمند انگلیسی به عنوان یکی از بنیانگذاران دانش جمعیت‌شناسی نگران سبقت رشد جمعیت با تصاعد هندسی بر رشد امکانات غذایی بشر با تصاعد حسابی بود. امری که به زعم می‌توانست به فجایع مهمی چون جنگ و قحطی منجر شود.

جمعیت‌شناسی به تدریج از این نگرانی خلاصی یافت و تنها ثبت و ضبط وقایع حیاتی خصوصاً وقایع مهمی چون تولد، ازدواج، طلاق و مرگ را در حوزه کار خویش یافت و سپس در ساختار برنامه ریزی‌های کشورهای جای گرفت. هم اکنون در بسیاری از کشورها در سال‌های مختوم به صفر میلادی تمامی آحاد جمعیتی مورد سرشماری قرار گرفته و به این ترتیب آمارهای جمعیتی تولید می‌شود.

## برخی کاستی‌های سرشماری در ایران

اولین سرشماری رسمی در کشور ما در سال ۱۳۳۵ به احصاء ویژگی‌های جمعیتی پرداخت و از آن به بعد در چهار سرشماری بعدی در سال‌های مختوم به ۵ شمسی استمرار داشته است. در این سرشماری‌ها که به موجب قانون هر ده سال یک بار توسط مرکز آمار ایران انجام می‌شود آمار و اطلاعات اقتصادی و فرهنگی در کشور، در مقاطع کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در اختیار برنامه‌ریزان، سیاستگذاران و مسئولان کشور قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> در این سرشماری‌ها آمارهای دقیقی از جمعیت و پراکندگی آن، ساخت جنسی و سنی، دین، وضع زناشویی، مهاجرت، سواد آموزش، وضع فعالیت، گروه‌های عمده شغلی، گروه‌های عمده فعالیت، نوع خانوار، ترکیب خانوار، واحد مسکونی، تسهیلات خانوار، سوخت مصرفی خانوار و ... گردآوری می‌شود که نهایتاً نتایج آنها در قالب گزارش کشوری، استانی، شهرستانی و موضوعی انتشار می‌یابد.

در پنج سرشماری صورت گرفته در کشور در کنار احصاء شاخص‌های مهم جمعیتی و ارائه آمار مربوطه، برخی آمارهای مرتبط با شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی گردآوری نشده است. یکی از این شاخص‌ها، که البته محل مناقشات جدی است، احصاء ویژگی‌های زبانی و مذهبی شهروندان ایرانی است که در پنج سرشماری قبلی به آن پرداخته نشده است.

عدم دسترسی به آمارهای موثق و دقیق در خصوص شاخص‌های زبانی و مذهبی (و نه دینی) که می‌تواند برای ارزیابی از چند و چون واقعیت‌های قومی در ایران، مبنایی مهم را فراهم کند به حدس و گمان‌ها و ارائه برآوردهایی جمعیتی از این گروه‌های اجتماعی از سوی منابع مختلف صلاحیت‌دار و غیر صلاحیت‌دار منجر شده است که گاه با بزرگنمایی و یا مبالغه‌هایی توأم است. خصوصاً آن که در ارتباط با برخی از گروه‌های زبانی و مذهبی در سده اخیر تلاش‌هایی در جهت سیاسی نمودن قضیه نیز در کار بوده و این امر در دامن زدن به این بزرگنمایی‌ها نقش مهمی ایفا نموده است.

## داده‌های دانشگاهی: سهل‌انگاری و سیاست‌ورزی

برندا شافر در کتابی موسوم به *ایران و چالش‌های هویتی در آذربایجان* از قول شهرزاد مجاب و امیرحسین پور بیان می‌کند که از کل جمعیت ایران ۲۰ الی ۳۰ درصد را آذری‌ها و قبایل ترک، ۹ درصد کرد، ۳ درصد بلوچ، ۲/۵ درصد عرب، ۱/۵ درصد ترکمن تشکیل می‌دهند. وی در ادامه با ارجاع به برخی منابع دیگر جمعیت آذری‌های ایران را حتی بیش از رقم اعلام شده قبلی می‌داند.<sup>۲</sup> در نمونه‌ای دیگر خانم نیکی کدی محقق ایران‌شناس امریکایی در کتاب *ایران و جهان اسلام*:

مقاومت و انقلاب<sup>۲</sup> در مبحث «اقلیت‌های قومی ایرانی» برآوردی از جمعیت گروه‌های زبانی در ایران ارائه کرده است. که بر اساس آن از کل جمعیت ایران حدود ۱۹ درصد آذری، ۷ درصد کرد، ۳ درصد عرب، ۲ درصد بلوچ، ۸ درصد مازندرانی و گیلکی، ۶ درصد لر و بختیاری، ۱ درصد ارمنی و آشوری و ۹ درصد سایرین می‌باشند. بر اساس این برآورد ۴۵ درصد مردم به فارسی تکلم می‌کنند. پرواند آبراهامیان در کتاب *ایران بین دو انقلاب* در برآوردی از ساختار قومی ایران در سال‌های ۱۲۲۹ (۱۸۵۰م) و ۱۳۳۵ (۱۹۵۶م) از کل جمعیت ۱۰ میلیونی ایران در سال ۱۲۲۹ حدود ۲۹۰۰۰۰ نفر یعنی ۲۹ درصد را ترک زبان، چهارصد هزار نفر یعنی ۴ درصد را عرب و ۳ درصد را نیز غیرمسلمان دانسته است. از نظر او ۶۴ درصد بقیه ایرانیان بلوچ و فارس و کرد و لر و غیره تشکیل می‌دهند.<sup>۴</sup>

در مطالعات مرتبط با هر قوم خاص این برآوردهای جمعیتی تغییراتی داشته و بر ابهامات موضوع می‌افزاید. به عنوان نمونه در مطالعاتی که موضوع آن قوم کرد می‌باشد و از منظری «علمی» و یا «قوم‌گرایانه» به بررسی پرداخته‌اند، ارقام ارائه شده از تفاوت‌های فاحشی حکایت دارند. مهرداد ایزدی در کتاب *کردها* جمعیت کردهای ایران در سال ۱۹۹۰ میلادی ۶/۶ میلیون نفر یعنی معادل ۱۲/۴ درصد از جمعیت ۵۵۶۰۰۰۰ نفری ایران برآورد کرده و در سال ۲۰۰۰ جمعیت ایران را ۷۳/۹ میلیون نفر برآورد نموده که براساس محاسبات او ۹ میلیون نفر آن یعنی ۱۲/۶ درصد کرد می‌باشند.<sup>۵</sup> فریده کوهی کمالی هم در کتاب *توسعه سیاسی کردهای ایران*، که در سال ۲۰۰۳ منتشر شده حداقل و حداکثر جمعیت کردهای ایران از سال‌های ۱۹۶۷ الی ۱۹۸۱ را ۱،۸۰۰،۰۰۰ نفر تا ۵ میلیون نفر برآورد کرده است.<sup>۶</sup>



جمعیت کردهای ایران از نظر مارتین برویین سن ۶/۵ میلیون نفر.<sup>۷</sup> از نظر نویسنده کرد عراقی عبدالله غفوری را در سال ۱۹۹۵ حدود ۱۱,۸۶۴,۰۰۰ نفر<sup>۸</sup> و در سال ۲۰۰۰ به رقم بسیار عجیب می‌روند» منتشره در *المجله* در سال ۱۹۹۶ میلادی می‌نویسد: «تعداد کردهای ایران حدود چهار میلیون تن می‌باشد... بخشی از کردهای شیعه مذهب که میان ایران و ترکیه [عراق] و به ویژه در شهرهای کرمانشاه و همدان ساکن هستند بالغ بر ۲۱ میلیون نفر می‌باشند.»<sup>۹</sup> و در سال ۱۹۹۸ در یک نشریه عربی دیگر به نام *الزمان* جمعیت کردهای ایران هشت میلیون نفر<sup>۱۱</sup> اعلام کرد. نیکیتین ۲۳ درصد جمعیت ایران در ۱۹۴۵ را کرد می‌داند<sup>۱۲</sup> و دبیر کل سابق حزب دموکرات کردستان ایران عبدالرحمن قاسملو هم حدود ۱۷ درصد از ساکنین ایران در سال‌های میانی دهه ۸۰ میلادی را کرد می‌داند.<sup>۱۳</sup> یکی از جمعیت شناسان ایرانی یعنی دکتر مهدی امانی بررسی‌ای با عنوان «کاربرد زبان‌های محلی در ایران» از نگاهی دیگر به نتایج دیگری رسیده است. «در سال ۱۳۷۲ سرشماری در میان کسانی که به ۸ زبان محلی حرف می‌زدند، انجام شد. مجموع افرادی که از این زبان‌های محلی استفاده می‌کردند ۵۶/۷ درصد از کل جمعیت یعنی ۳۲,۶۰۰,۰۰۰ نفر بودند ... و از میان این جمعیت ۳۲ میلیون و ششصد هزار نفری حدود ۹/۷ درصد یعنی ۳,۱۶۲,۰۰۰ نفر به زبان کردی سخن می‌گفتند.»<sup>۱۴</sup>

متأسفانه مشخص نیست که این آمارها بر مبنای کدام مطالعه یا سرشماری نتایج اعلام شده به دست آمده و یا اگر برآوردی صورت می‌گیرد بر مبنای کدام شاخص و ارزیابی علمی نتایج احصاء گردیده است. آیا سرشماری به صورت میدانی صورت گرفته است؟ آیا مؤلف خود بر اساس یک فرمول علمی به چنین نتایجی دست یافته؟

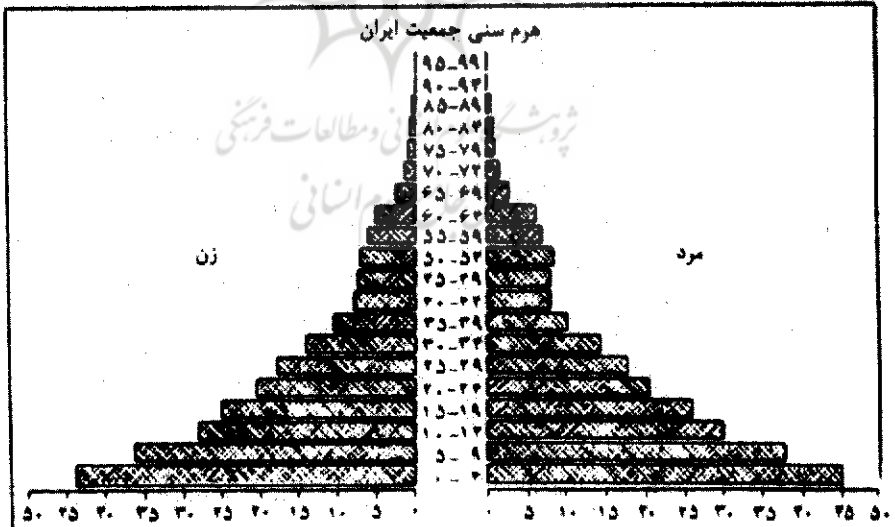
ملاحظه می‌شود که به دلیل کوتاهی مقامات مسئول در ارائه آمار دقیق در این زمینه که قطعاً از این باور ریشه‌دار در ایران سرچشمه می‌گیرد که حذف صورت مسئله به معنای حذف خود مسئله است، چنین وضعیت آشفته‌ای حاصل شده است. عدم احصاء ویژگی‌های زبانی و مذهبی در سرشماری‌های رسمی و فقدان داده‌های مستند در این زمینه برآوردهای جمعیتی از گروه‌های زبانی و مذهبی در ایران را با ابهامات فراوانی روبرو کرده و راه را بر هر گونه اظهارنظر غیرمسئولانه و غیرعلمی گشوده است. با توجه به این کمبودها از یک سو و لزوم در دست داشتن معیاری جهت ارائه داده‌هایی حتی‌الامکان دقیق در این زمینه، یکی از پرسش‌هایی که مطرح می‌شود آن است که از چه ماخذی در این زمینه می‌توان استفاده کرد. فرهنگ *جغرافیایی ایران* که در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ شمسی از سوی اداره جغرافیایی ارتش ایران منتشر شد، یکی از معدود ماخذی است که تا

حدودی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. فرهنگ جغرافیایی ایران بی‌گمان تنها مرجعی است که داده‌های جمعیتی - قومی آن به صورت میدانی گردآوری شده و لذا آن را می‌توان در مطالعات مرتبط با اقوام ایرانی به عنوان یک منبع پایه مورد توجه قرار داد.

### فرهنگ جغرافیایی ایران

در این مجموعه که تحت نظارت سرتیپ حسینعلی رزم‌آرا تدوین شد علاوه بر جمعیت، اختصاصات مرتبط با دین، مذهب و زبان و برخی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلیه نقاط روستایی و تعدادی از شهرهای کوچک ایران احصاء در مجموعه فرهنگ جغرافیایی ایران منتشر گردید.<sup>۱۵</sup> در این یادداشت به جوانبی چند از این ماخذ که به ندرت از سوی محققین و پژوهشگران مطالعات ایرانی و قوم‌شناسان مورد استفاده قرار گرفته است، اشاره می‌شود.

در این پروژه پژوهشی یعنی فرهنگ جغرافیایی ایران نام کلیه نقاط مسکونی - جمعیتی اعم از روستایی و شهرهای استان‌های یازده‌گانه کشور در سال‌های پایانی دهه بیست به صورت تفکیکی ارائه و جمعیت آن واحد (برحسب نفر یا خانوار)، دین و مذهب اهالی، زبان رایج، محصولات عمده و سایر ویژگی‌های اجتماعی آنان احصاء شده است.



این پژوهش منحصر به فرد اطلاعات ذی قیمتی را دربارهٔ جمعیت روستاها، شهرها، استان‌ها و کل کشور در آن سال‌ها ارائه نموده و در کنار آن به صورت نسبی معرف و ویژگی‌های زبانی، مذهبی و دینی جامعه ایرانی در آن سال‌ها است. داده‌هایی که هنوز هم به رغم گذر سال‌ها از تاریخ انتشار هنوز نکات مهمی را در خود دارد.

بر اساس بررسی و تحلیل جامع داده‌های موجود در این کتاب که امید است نتایج آن به صورت گسترده‌تری در آیندهٔ نزدیک منتشر شده و در دسترس پژوهشگران قرار گیرد. در خلال در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۱ جمعیت ایران بالغ بر ۱۳,۶۵۶,۹۴۴ بود که علاوه در شهرها، در ۴۰۲ بخش و ۱۵۷۵ دهستان و ۳۰۷۵۵ روستا زندگی می‌کردند. زبان و مذهب از متغیرهای مهمی است که در این پژوهش اطلاعات آن گردآوری شده است.

جدول شماره ۱ بر اساس داده‌های موجود در فرهنگ جغرافیایی ایران توزیع زبانی مردم ایران را به تصویر می‌کشد. عدم استفاده ابزارهای مکانیکی و آماری در گردآوری این اطلاعات که احتمالاً بیشتر از طریق واحدهای ارتش و ژاندارمری صورت گرفته است موجب شده تا تفکیک کاملاً دقیقی از لهجه‌ها و زبان‌های رایج در ایران ارائه نشود. این امر به ویژه در نقاطی خود را نشان می‌دهد که در آنها چند زبان یا لهجه رواج داشته است. لذا به جز چند مورد محدود در هر گزینه چند گروه زبانی در جدول نمایش داده شده است. به عنوان نمونه فارسی - ترکی، فارسی - لری، فارسی - کردی یا ترکی - لری، کردی - لری، ... از دیگر ویژگی‌های این داده‌ها عدم توجه به برخی از شعب درونی زبان‌ها است. مثلاً زبان اورامی در مناطق کردنشین با شعب آن، سوم آنکه چون آموزش علمی لازم به گردآورندگان داده‌ها ارائه نشده و احتمالاً از قبل گروه‌های زبانی تعریف نشده بودند لذا برخی از گویش‌ها و لهجه‌های به صورت یک زبان جداگانه ارائه شده است. مثلاً فارسی محلی، تاجیک و یا در برخی موارد زبان و مذهب آمیخته شده است مثل فارسی - حنفی. هر چند این امر در مورد ارمنی‌ها و کلدانی‌ها و آسوری‌ها به جا است. یعنی زبان آنها به نام مذهب آنان شناسایی شده است. این مسئله یعنی تفکیک علمی، جامعه‌شناسانه و زبان شناسانه زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های رایج در ایران هنوز به درستی در جامعه علمی کشور به جد مورد توجه قرار نگرفته است.

شاید مهمترین پیام جدول شماره یک را بتوان در هم تنیدگی فرهنگی و تاریخی مردم ایران دانست. به دیگر سخن در حالی که تا دههٔ ۱۳۳۰ هنوز روند مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها و شهرهای بزرگ آغاز نشده بود اما با این حال کمتر نقطه مهمی را در ایران پایان دهه ۱۳۲۰ وجود می‌توان ملاحظه کرد که لزوماً در برگزیده یک زبان خاص از میان زبان‌های رایج در ایران باشد.

جدول شماره ۱- توزیع زبانی جمعیت ایران در سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۲۷

زبان	جمعیت	زبان	جمعیت	زبان	جمعیت
فارسی	۴۱۹۹۱۸۵	فارسی - مازندرانی	۶۱۰۰۵۰	فارسی - تاتی	۱۶۱۱۹۲
ترکی	۲۴۵۱۰۶۱	فارسی - گیلکی	۶۰۴۴۳۵	ترکمنی	۹۷۴۹۱
نامشخص	۹۵۵۹۶۸	فارسی - کردی	۳۹۹۶۱۹	فارسی محلی	۹۲۱۳۱
فارسی - ترکی	۸۷۷۶۲۸	فارسی - عربی	۲۸۶۸۸۶	گیلکی	۶۴۵۱۴
فارسی - لری	۸۳۶۳۷۸	فارسی - بلوچی	۲۰۲۰۰۰		
کردی	۶۹۲۴۴۳	فارسی - ترکی - کردی	۱۸۷۴۶۴		

این جدول تا گروه‌های کوچکتر جمعیتی و در ادامه ترکیب تلفیقی بخش‌های اول جدول ادامه دارد. برای نمونه به گوشه‌ای از دیگر داده‌های آن اشاره می‌شود.

فارسی - ترکی - تاتی، ترکی - کردی، فارسی - لکی، فارسی - لری - لکی، ترکی - طالش، طالش، لری، ارمنی، فارسی - بختیاری، عربی، فارسی - لری - بختیاری، گیلکی - طالش، فارسی - ترکی - کردی - فوجانی، فارسی - خلجی، فارسی محلی - عربی، کمی فارسی - ترکی، ترکی - گیلکی، فارسی - ترکی - لری، ترکی - لری، فارسی - کردی - لکی، ترکی - تاجیک، فارسی - ترکی - گیلکی، فارسی - کردی - گیلکی، ترکی - کردی - فوجانی، فارسی - بلوچی، کلدانی، فارسی - ترکمنی، در گروه‌های جمعیتی بین ۵۰ تا ۱۰ نفر؛ ترکی - کردی - کلدانی، ترکی - کلدانی، کردی - لری، فارسی - ترکی - طالش، فارسی - ترکی - ترکمنی، فارسی - ارمنی، ترکمنی - به فارسی آشنا، تاتی، فارسی - ترکی - گیلکی - طالش، لری - بختیاری، فارسی و زبان مخصوص که ریشه آن فارسی است، مازندرانی، فارسی - ترکی - گرجی، فارسی - گیلکی - طالش، فارسی - گرجی، فارسی - تاجیک، ترکی - گیلکی - طالش، بلوچی، فارسی رایجی که فارسی است ریشه آن، در گروه‌های جمعیتی بین ۱۰ تا ۵ هزار نفر؛ فارسی - سمانی، به فارسی آشنا - عربی، کردی - مختصر عربی، فارسی - گیلکی - تاتی، لکی، فارسی - کردی - کمی بلوچی، فارسی - طالش، بختیاری، فارسی - مراغه‌ای، فارسی - مازندرانی، ترکی - ارمنی، فارسی قدیم، فارسی - کردی - گیلکی، ترکی - تاتی، فارسی - ارمنی، لری - عربی، گرجی، فارسی - ترکی، مازندرانی، ترکی - لری - گرجی، فارسی - ترکی، کردی، فوجانی، فارسی - افغانی، فارسی - خنئی، فارسی و فرس قدیم، ترکی - طالش، خلجی، گرجی - لری، گیلکی - مختصر فارسی و ترکی، کردی - لکی، کمی فارسی - کردی - لکی، فارسی با لهجه مخصوص، فارسی - کردی - فوجانی، ترکی - ارمنی، فارسی - ترکی، ارمنی، فارسی - ترکمنی، تاتی - طالش، فارسی - زبان ویژه، فارسی - تاتی با لهجه مخصوص، فارسی - کردی - لکی، فارسی - ترکمنی، گیلکی - تاتی، فارسی - فرس قدیم، فارسی - کردی - مازندرانی، کمی فارسی - ترکی - کردی، در گروه‌های جمعیتی بین ۵ تا یک هزار نفر. آخرین نمونه ارائه شده در انتهای این جدول که حجم آن اندکی بیش از بخش آورده شده است، بلوچی - تیموری قرار دارد با ۴۰ نفر جمعیت.

کما اینکه در بسیاری نقاط فارسی زبان و ترک زبان، فارسی زبان و عرب، فارسی زبان و بختیاری، ترک و لری، کرد و لری، ترک و طالش و ... در کنار هم زندگی کرده و تفکیک آنان از یکدیگر در آن روزگار میسر نبوده است. ضمن آن که در بسیاری نقاط در کنار زبان‌های کردی، ترکی، گرجی و ترکمنی و ... عده‌ای نیز به فارسی سخن می‌گفته‌اند. و شاید این ویژگی نیز یکی از نمودهای تساهل و تسامح فرهنگ ایرانی باشد. نظری به جدول شماره یک نشان می‌دهد که اکثریت جامعه

ایرانی به زبان فارسی با گویش‌ها و لهجه‌های متعدد آن سخن گفته و یا با آن آشنا بوده‌اند. پس از آن زبان ترکی قرار داشته است.

همچنین در بررسی پراکندگی مذهبی و دینی در ایران که در جدول شماره ۲ منعکس شده است بر طبق یافته‌های فرهنگ جغرافیایی ایران اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران را پیروان اسلام و مذهب شیعه تشکیل داده‌اند. اگر چه گروه‌های مذهبی دیگر هم چون سنی‌ها با شعب شافعی و حنفی، مسیحیان، ارمنی و کلدانی ارمنی‌ها، اهل حق و علی‌الهی‌ها، اسماعیلیه (یکی از شعب شیعه)، و ... نیز گزارش شده‌اند.

جدول شماره ۲ - توزیع جمعیت ایرانیان براساس دین و مذهب در ۱۳۳۱-۱۳۲۷

مذهب	سکنه	مذهب	سکنه	سنی سادات	۶۴۵
شیعه	۱۱۳۹۸۸۹۲	اهل حق	۵۰۰۰	زردشتی	۸۷۱
نامشخص	۹۳۴۱۱۸۴	شیعه - کلیمی	۴۲۶۸	مذهب	سکنه
سنی	۸۳۸۱۹۰	شیعه - حنفی - سنی	۲۴۴۲	شیعه - آشوری - سنی	۶۰۰
شیعه - سنی	۲۲۹۸۱۴	شیعه - سنی - کلیمی	۲۴۰۰	آشوری	۴۹۲
شیعه - حنفی	۶۷۴۲۰	شیعه - اهل حق	۲۱۲۰	آشوری - ارمنی	۴۷۰
مسیحی	۳۹۲۸۹	سنی شافعی	۱۹۱۰	مسلمان اهل حق	۴۰۰
مسلمان	۳۲۶۱۸	مسیحی - کمی مسلمان	۱۵۵۳	شیعه - مسیحی	۳۵۸
شیعه - مسیحی	۲۱۲۵۵	شیعه - ارمنی	۱۴۷۶	عیسوی	۲۹۹
شیعه - سادات	۹۲۲۲	شیعه - بهایی	۱۴۵۴	سنی - آشوری	۱۹۴
شیعه - سنی - مسیحی	۸۹۷۰	مسلمان - کمی مسیحی	۱۴۰۷	علی‌الهی	۱۴۱
علی‌الهی	۸۸۳۲	سنی - سادات	۱۳۰۰	از طایفه اسماعیلیه	۱۲۷
شیعه - صوفی	۷۹۷۰	شیعه - آشوری	۱۲۹۱	سنی - مسیحی	۱۱۰
شیعه - یهودی	۷۰۳۸	ارمنی	۱۲۲۸	حنفی	۹۶
شیعه - مسلمان	۶۱۵۷	شیعه - سنی - مسیحی - کلیمی	۱۱۶۰	در آمار جز حاجی آباد علیا منظور شده [۴]	۷۰
شیعه - زرتشتی	۵۹۶۹	کمی شیعه - سنی	۱۰۵۳	ارمنی - کمی مسلمان	۴۷
شیعه - علی‌الهی	۵۲۷۲	شیعه - سنی - ارمنی	۹۰۰	بهائی	۲۰

### نتیجه‌گیری

آمار گردآوری شده توسط دایره جغرافیایی ارتش در مجموعه ده جلدی فرهنگ جغرافیایی ایران اگرچه جایگزین یک سرشماری جامع و دقیق نیست ولی با توجه به فقدان چنان آماری از جهاتی یک گزارش ممتاز از اختصاصات جمعیتی ایران قبل از سرشماری سال ۱۳۳۵ می‌باشد. از سویی جمعیت ایران در سال‌های پایانی دهه ۱۳۲۰ تفاوت قابل‌فهمی با جمعیت سال ۱۳۳۵ را نشان



می‌دهد. حدود ۱۴ میلیون نفر جمعیت با حدود ۹۹ درصد مسلمان دقت این اطلاعات را نشان می‌دهد. امروزه هم سرشماری‌های عمومی این نسبت مسلمان را تایید می‌کند.<sup>۱۶</sup> از اینرو سایر داده‌های این مجموعه، از جمله برآوردهای مربوط به تنوع زبانی و مذهبی ایرانیان را نیز می‌توان در یک برآورد تطبیقی با در نظر داشتن عواملی چون میزان رشد جمعیت به صورتی جدی مورد توجه قرارداد. اما برخی کاستی‌های این پژوهش را نیز نباید از نظر دور داشت. عدم مراجعه به خانوار و ثبت داده‌های فردی، همانگونه که در سرشماری‌های کلاسیک تأکید می‌شود، برخی گزاره‌های حیاتی مورد نیاز را از دسترس دور داشته است. این وضعیت همچنین موجب تمایز ناپذیری برخی ویژگی‌های احصاء شده همچون مذهب و زبان شده است. یعنی در موارد متعددی منطقه‌ای مثلاً کرد و فارس؛ و یا ترک و فارس اعلام شده و معلوم نیست چه مقدار ترک یا فارس؛ و یا کرد و یا فارس هستند. و از همه مهمتر آن که در این بررسی وضعیت جمعیتی برخی مناطق - از جمله شهرهای مهم و اصلی کشور - احصاء نشده است.<sup>۱۷</sup>

مکتب ۶۳

## یادداشت‌ها:

۱. مرکز آمار ایران ۱۳۷۶. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. نتایج تفصیلی کل کشور: یک
2. Shaffere Brenda, *Borders and Brethren, Iran and the Challenge of Azerbaijani Identity*, 2002, BCSTA Studies in inter national Security: 221-225.
3. *Iran and the Muslim World: Resistance and Revolution*; 134-5
۴. در تقسیم‌بندی گروه زبانی و مذهبی ایرانی در این کتاب آبراهامیان اشتباهات مهمی خصوصاً در تقسیم‌بندی ساختار قومی ایرانیان به مقوله‌هایی چون «ایرانی» و «غیرایرانی» ملاحظه می‌شود که نباید از آن غافل بود.
5. Izady, Mehrdad, *The kurds: A Concise Handbook*, 1992, USA Taylor and Francis: 116-20
6. Koochi-Kamali, Farideh, *The Political Development of the Kurds in Iran*, 2003, USA, Palgrave Macmillan: 27
۷. برویین سن، مارتین، *با این رسوایی چه بخشایشی*. ابراهیم یونسی، پائیز: ص ۲۲
۸. غه فور، عه بدوللا. *جوگرافیای کوردستان*. ۲۰۰۰، ص ۱۴۹
۹. همان
۱۰. ساری، سید محسن، «کردها که هستند و به کجا می‌روند»، انگلستان، *المجله*، عربی ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۶
۱۱. الاخوازی، منصور، «پس از ترکیه، کردها در دستورالعمل سیاسی در ایران»، *الزمان*، عربی، انگلستان، ۲۹ دسامبر ۱۹۹۸
۱۲. نیکیتین، واسیلی، *کرد و کردستان*، ترجمه محمد قاضی، ص ۵۵
۱۳. قاسملو، عبدالرحمن، *چل سال خبات له بیناوی نازادی*، به رگی یکم ۱۹۸۵، ص ۱۰
۱۴. امانی، مهدی. کاربرد زبان‌های محلی در ایران»، *نشریه علمی و پژوهشی نامه علوم اجتماعی*، دانشگاه تهران، شماره ۱۲ پاییز و زمستان ۱۳۷۷: ۴۵-۶
۱۵. رزم آرا، سرتیپ‌حسینعلی، *فرهنگ جغرافیایی ایران*، جلد ۱، ص ۱۰، ۱۳۳۰-۱۳۲۷، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش
۱۶. مرکز آمار ایران ۱۳۷۶. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. نتایج تفصیلی کل کشور: یک
۱۷. در پاره‌ای از بررسی‌های بعدی مانند کتاب *راهنمای ایران* (انتشارات دایره جغرافیایی ارتش ۱۳۳۱)، در رفع پاره‌ای از این کاستی‌ها اقدام شده است ولی آمار ارائه شده در این کتاب کلی‌تر از آن هستند که این نقیصه را جبران کنند.



عکس از مژگان هارسا مقام